

بررسی سبک‌شناسی جواهرالاسرار آذری طوسی اسفراینی

اسماعیل زارعمند، علی رضانی*، رسول عبادی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

اسفند ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۲، صص ۱۸۵-۱۶۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6815

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: شیخ آذری طوسی اسفراینی از شاعران و نویسندگان دوره تیموری است. کتاب *جواهرالاسرار* از نوشته‌های برجسته وی در موضوع کلی حروف مقطعه قرآن، عرفان، حدیث و شعر میباشند. در این مقاله با معرفی نسخه‌های کتاب، سبک زبانی، بلاغی و فکری آن بررسی شده است.

روش مطالعه: گردآوری اطلاعات در مقاله به روش کتابخانه‌ای و نگارش آن به شیوه توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری چهار نسخه خطی *جواهرالاسرار* آذری میباشند.

یافته‌ها: *جواهرالاسرار* در کلیت سبک‌شناسی مطابق سبک عصر تیموری نوشته شده است. در مقدمه‌ها نثر مسجع و متن کتاب ساده است. در سطح آوایی سبک زبانی: سجع، جناس، تکرار واژه، واج‌آرایی، طرد و عکس، در سطح لغوی: واژه‌ها و عبارتهای عربی و در سطح نحوی: ترادف کلمات، القاب و اوصاف، مطابقت موصوف و صفت، کاربرد جملات عربی بجای صفت، شاخصه سبکی دارد. در سطح ادبی آرایه‌های تشبیه، تضمین، اقتباس، استعاره، کنایه، تلمیح، تمثیل و ضرب‌المثل آورده است و در سبک فکری به شرح و تفسیر حروف مقطعه قرآن، احادیث، سخنان عرفا و إشکالات شعر شاعران پرداخته است که در تفسیرهایش، تسلط وی به علم نحو، ریاضی، بلاغت، طب و نجوم دیده میشود.

نتیجه‌گیری: آذری طوسی اسفراینی در *جواهرالاسرار* مطابق با سبک نثر عصر تیموری، با گرایش به کاربرد واژه‌ها، جمله‌های عربی، اشعار فارسی و عربی، نثر مسجع در مقدمه‌ها و زبان ساده در متن کتاب، کاربرد آرایه‌های تشبیه، تضمین، اقتباس، استعاره، کنایه، تمثیل و ضرب‌المثل توانسته است بعنوان یک مفسر، شارح و منتقد، اطلاعات مفیدی درمورد حروف مقطعه، احادیث، موضوعهای عرفانی، و شرح دشواری شعر شاعران به مخاطب ارائه دهد و همچنین اطلاعات تاریخی، دینی، طب، نجوم و زندگینامه مشایخ در کتابش قابل‌بیان است.

تاریخ دریافت: ۲۱ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۲۴ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۵ خرداد ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

آذری طوسی، *جواهرالاسرار*، نسخه خطی، سبک، زبان، بلاغت، اندیشه.

* نویسنده مسئول:

a-ramazani@iau-ahar.ac.ir

☎ +۹۸ ۴۱ ۴۴۲۲۸۲۱۱



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the stylistics of Jawahar al-Asrar Azari Tusi Esfarayeni

I. Zaremand, A. Ramezani*, R. Ebadi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 12 March 2022

Reviewed: 13 April 2022

Revised: 01 May 2022

Accepted: 15 June 2022

KEYWORDS

Azeri Tusi, Jawahar al-Asrar, manuscript, style, language, rhetoric, thought.

*Corresponding Author

✉ a-ramazani@iauh-ar.ac.ir

☎ (+98 41) 4422 8211

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Sheikh Azari Tusi Esfarayeni is one of the poets and writers of the Timurid period. The book Jawahar al-Asrar is one of his famous writings on the subjects of the Muqattaah Letters, mysticism, hadith and poetry. In this article, by introducing the Manuscripts of the book, has been studied its linguistic, rhetorical and intellectual style.

METHODOLOGY: Data collection in the article is library method and its writing is descriptive-analytical method. The statistical population is four manuscripts of Azeri Jawahar al-Asrar.

FINDINGS: Jawahar al-Asrar is written in the general style according to the style of the Timurid period. in the introductions, is the rhyming prose and the text of the book is simple. At the phonetic level of the language style: rhyme, pun, word repetition, Alliteration, rejection and reverse, at the lexical level: Arabic words and at the syntactic level: synonyms of words, titles and adjectives, matching of adjectives and adjectives, use of Arabic sentences instead of adjectives, Has a light characteristic . At the literary level, has similes, Imitation, Allusion, metaphors, allusions, Metonymy, allegories and proverbs. In his intellectual style, he has described and interpreted the letters of the Qur'an, hadiths, the words of mystics and the problems of the poets' poetry. In his interpretations, can be seen his mastery of syntax, mathematics, rhetoric, medicine and astronomy.

CONCLUSION: Azari Tusi Esfarayeni in Jawahar al-Asrar in accordance with the style of prose of the Timurid era, with a tendency to use words, Arabic sentences, Persian and Arabic poems, prose in introductions and simple language in the text, the use of metaphors, Imitation, Allusion, adaptation, Metonymy, Allegory and proverb has succeeded. As a commentator and critic, he has been able to provide the audience with useful information about syllables, hadiths, mystical subjects, difficult descriptions of poets' poetry, as well as historical, religious, medical, astronomical and biographical information of elders from his book.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6815](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6815)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 16	 0	 0

مقدمه

شیخ آذری از مشاهیر بزرگ عصر تیموری است که جواهرالاسرار را، با یک دیباچه و چهار باب در موضوعهای تفسیر، حدیث، عرفان و شعر تألیف کرده است. این کتاب دارای نثری روان، آمیخته با واژه‌ها و جمله‌های عربی و تا حدی متمایل به صنایع ادبی است. چندین نسخه خطی از این کتاب برجای مانده است، تصحیح نسخ این کتاب، موضوع پایان‌نامه یکی از نویسندگان مقاله حاضر (اسماعیل زارعمند) است که در این مقاله، براساس سطوح سبک‌شناسی بررسی شده است. نسخه‌های مورد استفاده عبارتند از:

نسخه مجلس ۱ با شماره 14477 در ۲۶۰ صفحه، نسخه مجلس ۲ با شماره 5882 در ۲۴۳ صفحه که کامل است و تمام بابها را دارد. هر دو نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود. نسخه احیاء میراث اسلامی با شماره ۸۱۲ در ۶۱۲ صفحه در مرکز احیاء میراث اسلامی نگهداری میشود، این نسخه هم کامل است اما در باب چهارم چندین صفحه افتادگی دارد. نسخه گنج‌بخش پاکستان با شماره ۸۹۰، ۲۹۰ و ۴۷۲ در ۳۵۰ صفحه در کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام‌آباد نگهداری میشود و چند صفحه ابتدایی، چندین صفحه از وسط و باب چهارم در این نسخه نیست.

با مقابله نسخه‌ها، متنی پیراسته نوشته شد و بررسی سبکی براساس متن تصحیح‌شده انجام گرفت. ارجاعات مقاله با نسخه شماره ۵۸۸۲ مجلس مطابقت داده شده است. روش مطالعه به شیوه کتابخانه‌ای و انجام تحقیق بصورت توصیفی - تحلیلی میباشد.

ضرورت و سابقه پژوهش

تصحیح کامل نسخه جواهرالاسرار تاکنون انجام نشده، اما چاپ این اثر ابتدا بصورت برگزیده در سال ۱۳۰۳ با چاپ سنگی انجام گرفته است. در سال ۱۳۸۶ احمد شاهد خلاصه کتاب را همراه با نقد و تفسیر در ۳۲۸ صفحه در نشر سنبله مشهد چاپ کرد. در پایان‌نامه‌های دانشجویی، محمدی فشارکی (۱۳۷۹) باب چهارم آن را تصحیح کردند، فرود (۱۳۸۲) باب اول و دوم آن را تصحیح کردند، حسین‌آبادی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه «تصحیح انتقادی و تحلیل مقدمه و فصل اول از باب سوم جواهرالاسرار شیخ آذری اسفراینی» مقدمه و فصل اول باب سوم را تصحیح کردند، همچنین این نویسنده در پایان‌نامه ارشد موضوع «اندیشه‌های عرفانی شیخ آذری اسفراینی براساس کتاب جواهرالاسرار» را ارائه داده‌اند. در دهه نود چندین مقاله چاپ شده است که دو مورد آن از پایان‌نامه حسین‌آبادی است.

مهدوی‌فر (۱۳۹۲) در مقاله «شرح دو بیت خاقانی از شیخ آذری طوسی» صرفاً شرحی که آذری طوسی بر دو بیت خاقانی نوشته، توضیح داده است، حسین‌آبادی و عباسی (۱۳۹۳) در مقاله «اندیشه‌های عرفانی شیخ آذری اسفراینی در آینه جواهرالاسرار» به مباحثی که آذری در موضوعات خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی دارد پرداخته‌اند. خیاطیان و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی و مقایسه شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی و جواهرالاسرار شیخ آذری اسفراینی» نظرات آذری را درمورد شطح با روزبهان بقلی بررسی کرده‌اند. مقاله «شطح و شطحیات معروف عرفا از دیدگاه آذری طوسی در جواهرالاسرار» نیز از نویسندگان این مقاله در سال ۱۴۰۰ چاپ شده است.

با توجه به اینکه، این اثر هنوز بطور کامل، یکجا و در قالب یک کتاب چاپ نشده و پژوهشی جامع که سبک کتاب را از منظر زبان، نحو، بلاغت و اندیشه بررسی کند، انجام نگرفته است، ضرورت بررسی جامع از منظر سبک‌شناسی را ایجاب میکند و با تکیه بر این هدف، در مقاله حاضر براساس نسخ تصحیح‌شده، سبک اثر بررسی گردیده است.

بحث و بررسی

معرفی آذری طوسی و جواهرالاسرار

آذری طوسی با نام کامل نورالدین محمدبن عبدالملک اسفراینی یا فخرالدین حمزه علی‌ملک اسفراینی معروف به «شیخ آذری» در عهد تیموری، دوره سرداران در حدود سالهای ۷۸۲ تا ۷۸۴ هـ.ق. در اسفراین به دنیا آمد. صفا سال تولد وی را ۷۸۴ معرفی کرده است (صفا، ۱۳۶۴، ج ۴: ۳۲۳). او در مقدمه کتاب *مفتاح‌الاسرار* شرح حالی برای خود نوشته است و آنجا خود را علی حمزه‌بن علی ملک‌بن حسن طوسی البیهقی المولد والاسفراینی معرفی کرده است (نقل از آذری اسفراینی، ۱۳۹۰، مقدمه: ۴۸). در مورد تخلص آذری، «تاریخ فرشته» به نقل از خود وی، ماه تولد شیخ را آذرماه معرفی کرده و گفته است شیخ آذری در پاسخ الغیبگ میرزا گفته چون در ماه آذر زاده شده، خود را آذری نامیده است (هندوشاه، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۷۶). در انتساب به طوسی نیز چون مدتی در طوس (توس) زندگی کرده است، به او طوسی گفته‌اند (آذری اسفراینی، ۱۳۹۰، مقدمه: ۳۱). سمرقندی در تذکره‌الشعرا در مورد نسب وی گفته است «شیخ آذری خواجه علی ملک از بزرگان دولت سرداران، که پشت او به معین‌الدین صاحب الدعوه احمدبن محمد الزمعی الهاشمی المروزی میرسد که در وقت سرداران در اسفراین صاحب اختیار بود» (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۹۸-۳۹۹).

در دوره جوانی از اسفراین به عزم سفر، خارج شد و در طول عمر خود در شهرهای مختلف اقامت کرد. بعد از سفر حج، مدتی در شهر حلب خدمت شیخ محی‌الدین ابن عربی بود؛ در مدت اقامت در این شهر کتاب *مفتاح‌الاسرار* را تألیف نمود. در حدود سال ۸۳۰ ق. در حلقه مریدان شاه نعمت‌الله ولی قرار گرفت. در محضر شاه نعمت‌الله ریاضتها کشید و در طریقت تا آنجا پیش رفت که از دست شاه نعمت‌الله، اجازه و خرقة تبرک گرفت (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۹۴). وی به شاعر درباری مشهور نشده است اما مدتی در هرات در دربار شاهرخ تیموری و مدتی در هند در دربار بهمن‌شاه خدمت کرد. سرانجام به اسفراین بازگشت و تا آخر عمر در آنجا زندگی کرد و در سال ۸۶۶ ق از دنیا رفت. آثار متعددی در نظم و نثر دارد، مشهورترین اثر وی در نثر، *جواهرالاسرار* است. به گفته صفا این کتاب حدود سال ۸۴۰ در اسفراین تألیف شده است (صفا، ۱۳۶۴، ج ۴: ۳۲۵). آذری در معرفی کتاب گفته است: «چون این دستور، صورت انتخاب *مفتاح‌الاسرار* بود، او را *جواهرالاسرار* نام نهاده، و چون در اصول معرفت او ترتیبی که موجب تغییر اصل وضع کتاب باشد نرفت، خطبه کتاب نیز تغییر داده نشد» (آذری طوسی، بی‌تا: ۲). ساختار کتاب در چهار باب تنظیم شده است: باب اول در معرفت اسرار حروف مقطعات از قرآن؛ باب دوم در اسرار احادیث نبوی است که در این فصل نه سرّ (حدیث) را شرح نموده است؛ باب سوم در اسرار کلام مشایخ است که در دو فصل آمده: فصل اول در بیان کلام منثور از مشایخ که در آن سیزده سرّ (کلام) است، فصل دوم در بیان کلام منظوم که ۳۷ بیت را شرح کرده است؛ باب چهارم در بیان کلام شعرا است و در آن ده فصل است که بترتیب قصاید مشهوره، ابیات مجهوله، غزلیات مشهوره، اشکال مجهوله، اشکال مقطعات، اشکال مثنوی، رباعی، اشکال شاعری، اشکال معمیات و اشکال لغز میباشد.

سبک کلی اثر

این اثر در دوره تیموری تألیف شده است. در کلیت سبک‌شناسی این دوره، نثر ساده و نثر فنی رواج داشت. بهار در معرفی سبک این دوره گفته است: سبک نثر این دوره حد متوسط یعنی میانه نثر ساده و نثر فنی است که اغلب نویسندگان این دوره به کار برده‌اند (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۱۹۸). شمیسا نیز با نقل گفته بهار نوشته است «کتابهای این دوره گاهی ساده و گاهی متمایل به مصنوع است» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۲۰۷). صفا معتقد است «روش متداول عهد تیموری سبک ساده و روان در نثر است» (صفا، ۱۳۳۸: ۶۳). آذری کاملاً مطابق با سبک دوره خود، کتابش را با سبک میانه نثر فنی و ساده نوشته است. در مقدمه اصلی کتاب و مقدمه سوم و چهارم، نثر مسجع را پیش گرفته اما در متن اصلی نثر ساده را استفاده کرده است. با توجه به اینکه در قرن نهم تألیف شده است، مسلماً واژه‌های کهن و دشوار دارد که برای دریافت معانی آنها نیاز به فرهنگ لغت است. آذری نیز سعی کرده با آمیختن شعر و نثر، آوردن جملات عربی (به اقتضای موضوع کتاب) متن کتاب را دشوار نماید؛ اما سستی زبانی در اثرش کم است و سعی دارد با زبانی ساده، به دور از صنعت‌پردازی متکلفانه، مفاهیم را بازگو نماید.

سطح زبانی

در سبک‌شناسی، سطح زبانی به سه سطح آوایی، لغوی و نحوی تقسیم شده است.

سطح آوایی: در سطح آوایی نحوه کاربرد واحدهای آوایی (صدا، آهنگ) در یک موقعیت زبانی و نقش و کارکرد بیانی آواها و اصوات زبان بررسی میشود (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۳). درواقع سطح آوایی، سطح موسیقایی متن است که انواع موسیقی بیرونی (وزن)، موسیقی کناری (قافیه و ردیف) و موسیقی درونی (صنایع بدیع لفظی) منظور است. جواهرالاسرار آذری با توجه به منثور بودن، فاقد موسیقی بیرونی و کناری است اما در موسیقی درونی، شاخصه سبکی دارد. زبان آذری، زبانی آهنگین است و هماهنگی اصوات و مصوتها در کلامش بسیار دیده میشود. مقدمه اصلی کتاب و مقدمه‌های بابها، نثر مسجع است و در سه باب اول نیز با گرایش به نثر صوفیانه، زبان ادبی دارد؛ در باب چهارم در شرح و تفسیر اشعار شاعران، کلام موسیقایی کمتر میشود و زبان ساده رسمی دوره خود را به کار برده است. از موسیقی درونی، سجع، جناس، واج‌آرایی و تکرار واژه، فراوانی سبکی دارد.

سجع: در متون منثور بجای موسیقی کناری برای آهنگین کردن کلام، سجع انتخاب مناسبی است که در ادبیات به نثر مسجع معروف است. در کلیت سبک‌شناسی دوره تیموری نیز اغلب مقدمه‌ها را با این روش مینوشتند. شمیسا در بیان شاخصه‌های سبکی این دوره گفته است: «نویسندگان این دوره گاه در مقدمات کتب و خطبه‌ها و فواتح فصول، تشبیهاتی به سبک قدیم مینویسند که از حیث سجع قدری شباهت به قدیم دارد ولی از حیث جزالت و انسجام و سایر استادیها در مرتبه دون قرار دارد» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۲۰۷). آذری نیز با پیروی از سبک دوره، دیباچه کتاب را به نثر مسجع نوشته است و در مقدمه‌های بابها نیز سجع به کار برده است، اما متن اصلی سجع ندارد. رکاکت و سستی که در کلیت سبکی عصر تیموری رایج بوده است، در کلام وی کمتر دیده میشود. چند مورد از مقدمه‌ها بیان شده است:

- دست عزت، رخت غیریت از حرم احدیتش برون انداخته و فضای بستانسرای واحدیتش از نقش صور اغیار پرداخته (آذری طوسی، بی تا: ۲).

- طایفه‌ای گفته‌اند که این سرّیست مستور و قولیست محبوب (همان: ۵).

- گاهی از عظمت در محو، گاهی از مکرمت در صحو، مدتی از پرتو جمال گریان مدتی از آتش جلال بریان، لحظه

در کثرت کافر و لمحۀ در وحدت موحد (همان: ۶۱).

تکرار: تکرار در کل کتاب بعنوان یک ویژگی زبانی آذری فراوانی دارد؛ برای نمونه واژه‌هایی همچون «اکنون بدان»، «بدانکه»، و «مذکوره» در سراسر کتاب تکرار شده است. علاوه بر آن تکرار در سطح موسیقایی که باعث زیبایی کلام است، فراوانی دارد. در این سطح، آذری با تکرار واژه‌ها بصورت جناس، واج‌آرایی، طرد و عکس، و تکرار واژه، کلامش را آهنگین کرده است.

واج‌آرایی: در کل کتاب، با تکرار واجها، واج‌آرایی ایجاد شده است. همانگونه که تکرار واژه، فراوانی دارد، تکرار واج نیز فراوانی یافته است مانند نمونه‌های ذیل:

عظیمی که در دایرۀ عظمای عظمتش کرۀ کاینات جزایست لایتجزی (آذری طوسی، بی تا: ۳)، سپاس آن حکیمی را که احکام محکمۀ کاینات را به احکم حکم بپرداخت (همانجا)، فصحای ساحت فصاحت قفل لأحصی ثناء بر دهان زده (همان: ۴)، چنانکه علم عین عالم و معلوم است و عشق عین عاشق و معشوق (همان: ۹۳).

جناس: در کاربرد جناس، آذری سعی داشته جناسها را کنار هم قرار دهد و این ویژگی، شاخصه سبکی اوست. جناس زاید (اضافه در وسط): اکنون توقع از کرم کرام آن است (همان: ۵)، بر حقوق و تزویج صغار و صغایر که بلاولی باشند (همان: ۳۱) زنجیر شریعت عقل عقل (همان: ۸۷).

جناس مضارع (اختلاف در اول): بس دقایق شقایق دویست‌هزار اخوان اوست (همان: ۱۲۱)، اشبای شریفه چون قطرات مطرات این بچرند (همان: ۷۷)، و دست ساقی باقی به کاسات صفات شراب تجلیات ذات بر ایشان نماید (همان: ۱۸۵).

جناس لاحق (اختلاف در وسط): و اکوان و الوان وجود و انواع اشخاص که آن را نهایت نیست (همان: ۱۷۰).

جناس ناقص حرکتی: و چون اشکال اشکال و ابهام ابهام محبوب است و مرغوب است (همان: ۶).

تکرار بصورت طرد و عکس: «گوهر درج عالم و درج گوهر عالم و آدم» (آذری طوسی، بی تا: ۴)، «از بهر آنکه میشاید که سلب عموم باشد نه عموم سلب» (همان: ۷۲)، «فامًا توحید در شرع و شرع در توحید دیگر است» (همان: ۸۳)، «فاما توحید رافع و رافع توحید آن کلمات است» (همانجا)، «چنانکه آخر حال عشق، مجنون گفت انا لیلی و لیلی انا» (همان: ۸۸).

تکرار واژه: «رقم کفر آسان آسان بر جریده این قوم نکشند» (همان: ۸۶)، «و حاصل ما از حاصل او حاصل شد» (همان: ۹۶)، «اعضای مکلفه بنی آدم هر یکی را بمنزله فلکی داشته است و آن فلک عین و فلک اذن و فلک لسان و فلک ید و فلک بطن و فلک فرج و فلک رجل و فلک قلب است» (همان: ۱۰۲).

سطح لغوی (سبک‌شناسی واژه‌ها)

کلیت سطح لغوی کتاب آذری استفاده از واژه‌های متداول دوره زندگانش، متناسب با موضوع کتاب است که مسلماً در عصر حاضر، جزو زبان کهن است. اما انتخاب واژه‌ها در سطح لغوی، گرایش وی به زبان عربی را نشان میدهد. توجه به زبان عربی و آمیختگی کلام با جمله‌های عربی به صورتهای مختلف، شاخصه سبکی آذری است که در مقایسه با سبک دوره، برجستگی دارد، برخلاف اینکه در دوره زندگیش از اهمیت عربی‌گرایی کمتر شد و بجای آن واژه‌های ترکی بسامد یافت، آذری برخلاف سبک دوره به زبان عربی توجه دارد؛ چنانکه میتوان گفت درصد بالایی از جمله‌ها و واژه‌های کاربردی آذری در جواهرالاسرار عربی است. از جمله موارد زیر:

کاربرد اشعار عربی: استناد به اشعار شاعران فارسی و عربی با ذکر نام شاعران در سراسر کتاب دیده میشود؛ چنانچه

آمیختگی متن منثور را با منظوم مشاهده میکنیم. استفاده از اشعار عربی در مقایسه با اشعار فارسی کمتر است، اما استفاده آذری از این ابیات، نشان‌دهنده عربی‌گرایی است.

کاربرد آیات و احادیث: باب اول و دوم جواهرالاسرار، درمورد سرآیات و احادیث است و آذری به اقتضای موضوع، از آیات و احادیث استفاده کرده است اما علاوه‌براین برای اثبات و تفسیر سخنانش در بخشهای مختلف کتاب، از آیات و احادیث بجای بخشی از جمله استفاده کرده است. مثل نمونه زیر:

زبان عارفان معارفخانه خاکی ماعرفناک، ناطق و بیان عابدان عبادتخانه افلاک به اوصاف ماعبدناک لاحق (همان: ۳).

جمله‌های عربی: علاوه‌بر به کار بردن جمله‌های عربی در بخشی از جمله، مکرر از جمله‌های دعایی عربی و معترضه استفاده کرده است. مانند قدس الله سره، رضی الله عنه، کرم الله وجهه ان الله.

عبارتهای عربی: عبارتهای رایج در ادبیات عرب، همچون کما قیل، فی الحال، من حیث المجموع، فی الجملة، قس علی ذالک، الی آخره را مکرر استفاده کرده است.

واژه‌های عربی: آذری به کاربرد واژه‌های عربی علاقه دارد و سبک نگارشی خود را به آن سمت برده است، نمونه تصادفی مانند: چه ضبط احوال او کما هی متعسر و متعذر است، صفت بوقلمون دارد و هر دم رنگی دیگر نماید (همان: ۲۴).

یا جزئی از جمله را به نحو عربی نوشته است مانند «عندالعقل چنانکه در خبر آمده است» (همان: ۱۴۸). واژه‌های عربی که معادل فارسی آنها نیز در کتاب دیده میشود مانند «بئر» (چاه) و «ذنب» (گناه) را استفاده کرده است. یا واژه‌های تنوین‌دار بسیاری آورده است؛ مانند باطناً، عقلاً، نقلاً، تقدماً، اشارتاً، عبارتاً، قولاً، کشفاً، سمعاً، خاطراً و... .

سطح نحوی

وی به اقتضای موضوع کتاب سعی کرده است با زبان رسمی و علمی بنویسد و نثری مسجع - که زبان ادبی را ایجاد کرده است - به رسم زمانه، در مقدمه‌ها به کار برده است. در زبان رسمی نیز در سه باب اول گرایش وی به زبان ادبی و نثر صوفیانه دیده میشود، اما در باب چهارم زبانش کاملاً رسمی و ساده است که مسلماً طبق نحو آن دوره است که با نحو امروزی متفاوت است؛ مانند نمونه‌های ذیل «اکنون با سر تحقیق سخن باید رفت»، «میشاید که آن زمان که دوستان دل از هم بردارند چندین جنگ واقع شود» (همان: ۲۱۵)، «بباید دانست که سبب کوری افعی سه چیز است» (همان: ۲۲۰)، «ابنای روزگار مثل اینها را تقویم پارین می‌شمارند» (همان: ۲۲۸)، «معما را از تعمیه گرفته‌اند و آن به‌حسب لغت پوشیده شدن و پوشیده کردن است» (همان: ۲۳۰). زبانش نسبت به زمان نگارش، کهنگی ندارد، فقط یک مورد افعال به شیوه سبک خراسانی آورده است که البته در نسخه مرکز احیاء تراث اسلامی چنین نوشته شده است و در نسخه پاکستان و مجلس چنین نیست. در باب اول در تفسیر حروف مقطعه، گفته است:

«چون پیغامبر صلی الله علیه و سلم وحی گزاردی کافران شغب کردند و مشغله و گفتندی: لا تسمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْعَوَا فِيهِ خدای این حروف تهجی را در اوایل سور فرستاد، چون رسول بدین ابتدا کردی، کفار به تعجب سماع کردند» (آذری طوسی، بی تا: ۱۶). در نسخه پاکستان آمده است «شغب کردند و گفتند» و در نسخه‌های مجلس آمده است: «کفار در مقام شغب و غوغا بیرون آمده گفتندی».

اما موارد زیر در سطح نحوی کتاب، برجستگی دارد.

مطابقت موصوف و صفت: در جواهرالاسرار تطابق از نظر تأنیث فراوانی دارد؛ بویژه اینکه صفت «مذکوره» تکرار شده است. مانند موارد زیر:

احادیث مذکوره، تجلیات اربعه، صفات متعدده، نفوس مذکوره، مهمات مذکوره، اعراض مطلوبه، شروط مذکوره، اعتبار مختلفه، شروط اربعه، اوصاف مخصوصه، نفوس مذکوره، حضرات مذکوره، مقامات محصوره، حیوانات مختلفه، قواعد مختلفه، اعتبارات کثیره، احوال مختلفه، کتب مشهوره، اذواق سلیمه، طایفه مذکوره، ملبوسات نفیس، روایات مختلفه، صفت مخصوصه، عقول شریفه، طبایع لطیفه، کلمات فصیحه، نکات صریحه، لطایف مستوره، اجسام کثیفه، صور مختلفه.

کاربرد جمله عربی بعنوان مضاف‌الیه:

- و صدای ندای و اَلَى اللّٰهِ تُرَجِّحُ الْأُمُورُ به مسماع ساکنان صوامع ملک و ملکوت رسانیده (همان: ۳).
- وجهی دیگر این است که ما ذنب، دو داریم که منشأ آن کفر و استکبار است و شرکت آن را آموزش اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهِ و ذنب (همان: ۵۳).

- و ندای اذا شیننا بدّل نا امثالهم تبدیلاً دررسد (همان: ۹۰).

- چنانکه از درخت آواز آئی انا الله رب العالمین برآمد (همان: ۸۴).

کاربرد مترادفات: از شرح حقیقت اسرار ذات صفاتیّه تو عاجز و قاصرند... در محل سلطنت بصیری تو روشن است و پیدا... امکان ضروب جهل به عنایت تعلیم تو سهل و آسان (همان: ۱۳۶)، از عذاب و عقابی که در دنیا و آخرت به صحت پیوسته است (همان: ۱۴۷).

کاربرد القاب و اوصاف: آذری در توصیف شخصیتهای ائمه، عرفاء و مشاهیر، بسیار از القاب و وصفها استفاده کرده است. در توصیف مشایخ گفته است:

بلبلان بوستان جبروتند که بر کل لاسوت میسرایند و طوطیان شکرستان ملکوتند که در قفس تنگ ناسوت شکر شکر میخوانند؛ سراج صفاتند در مشکات آیات، و اطوار ارواح قدسند در اشباح آثار؛ ... و رجال پیدای قومند در صحرای حدوث تاخته؛ مرغ ربوبیتند از آشیان وحدت پریده و سر به گریبان عبودیت برآورده؛ قدسند از قدس سبوحی به هدف صورت رسیده؛ امواج و بحار قدمند اگر به سواحل رسیده‌اند و نهر بحر عیانند که در مزرعه حدثان، نور معرفت رویانند و نیران سبحات تجلیند که محبت در مطبخ جان میجوشانند (آذری طوسی، بی‌تا: ۶۰).

در وصف شاعران گفته است: ساقیان شراب قدس و مطربان مجلس انسند و پادشاهان مملکت نظم و نثر و خسروان اقلیم عهد و عصر غواصان دریای کمال و شهبازان هوای جمال و جلال (همان: ۱۸۰).

در توصیف ابوسعید ابوالخیر گفته است: شیخ‌المشایخ ابوالسعید ابوالخیر که آفتاب آسمان ولایت و شمع شبستان شریعت و طریقت است (همان: ۱۰۷).

برای خود نیز لقب «فقیر» را آورده است: این فقیر اکثری تواریخ را که درین باب گفته‌اند با یکدیگر تطبیق کردم (همان: ۱۸)، این فقیر را معلوم نیست (همان: ۲۰۷).

سطح ادبی

جواهرالاسرار اثری علمی آموزشی است، اما در سطح ادبی نیز غنی است. آذری از آرایه‌های مختلف برای زیباسازی متن بسیار استفاده کرده است، گرچه آرایه‌های وی تکلف ندارد. دیباچه کتاب کاملاً با زبان ادبی نوشته شده و

انواع آرایه‌ها در آن آمده است، اما دیگر بخشهای کتاب، ساده‌تر است. باب چهارم از نظر سطح ادبی در مقایسه با سه باب دیگر، ساده است و بخش اصلی سطح ادبی در سه باب اول و دوم و سوم دیده میشود. از نظر فراوانی کاربرد آرایه‌ها، تضمین و اقتباس ۴۰ درصد، تشبیه ۳۰ درصد، استعاره ۱۰ درصد، تمثیل و ضرب‌المثل ۱۰ درصد، کنایه ۵ درصد و تلمیح ۱۵ درصد است. دیگر آرایه‌ها انگشت‌شمار آمده است و جزو شاخصه‌های سبکی وی نمیشود. هرکدام از آرایه‌ها در ذیل توضیح داده میشود.

تضمین و اقتباس: ساختار اصلی جواهرالاسرار بر پایه تضمین و اقتباس است که در مقایسه با دیگر آرایه‌ها حدود ۴۰ درصد بسامد دارد. آذری از آیات، احادیث، و اشعار شاعران در تبیین گفته‌های خود بسیار استفاده کرده است که اگر از منظر سبک ادبی به کاربرد آنها بنگریم، در قالب تضمین و اقتباس قرار میگیرند و از این نظر جزو شاخصه سبک ادبی وی است. وی با ذکر آیات و احادیث در اثنای کلامش، و آوردن شعر شاعران با نام آنها، تضمین کرده است. کاربرد این آرایه در سه باب اول است و در باب چهارم که اشکال کلام شعرا است، از آن استفاده نکرده است. مانند نمونه‌های زیر:

- حروفات عالیله صفات یک حرف نیست که در مرتبه ذات آن را علم خوانند به اعتبار تعلق چندین صفت مختلف ازو اعتبار کرده‌اند، چنانکه شیخ فریدالدین عطار گوید:

شعر

جمله یک ذات است اما متصف جمله یک حرف و عبارت مختلف
(آذری طوسی، بی تا: ۷۶)

- «قال ابن الفارض فی هذا المعنی

لان كنت فی من نقطه الباء خَفَضَتْهُ رفعت الی مالِم تنله یجلتی
(همان: ۸۰)

- پس حق پیش اهل حجاب شیئی است روشن و خلق یعنی وجود ممکن روزی است تاریک؛ چنانکه در گلشن راز میگوید:

سپه‌رویی ز ممکن در دو عالم جدا هرگز نشد الله اعلم
(همان: ۱۷۹)

- و قال الله تعالی هو الاول والآخر والظاهر والباطن فلا جرم از آن دایره وجود چشمه پدید آمد از چشمه اول همه کس بیخبر کقوله تعالی و ما قَدَرُ اللهُ حق قدره (همان: ۱۶۳).

آیه هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (حدید: ۳) و بخشی از آیه ۶۷ سوره زمر وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ را اقتباس کرده است.

تشبیه: در کاربرد تشبیه، تشبیهات ساده، عادی و متداول ادبیات فارسی را به کار برده است. توجه وی به تشبیه مفصل و اضافی است و تشبیه مفصل با کاربرد ۱۰ درصدی در مقایسه با تشبیه اضافی (۲۰ درصد)، بسامد کمتری دارد.

تشبیه مفصل: در وصف گرایش محبوب به محب، آن را به درخت تشبیه کرده و گفته است:

- رجوع عشق بدوست؛ چون شجره مفروسة ثابتة که شاخهای او را ترک کنی، رجوع کند به مرکز خود فی الحال و رجوع او صورت توبه او است (همان: ۴۹).

در وصف حُسن فقر، آن را به خال صورت مانند کرده است:

- فقر جمال وجه باطن است همچون خال که او جمال وجه ظاهر است (همان: ۵۶).

- صوفیه میگویند راه به حضرت حق جل ذکره به طریق عرض است نه طول که نسبت هر فردی از افراد عالم پیش این طایفه چون نسبت هر حرف است از حروف کتابت با دست کاتب (همان: ۱۶۹).

اضافه تشبیهی

- چون باد عنایت دررسد و زورق وجود ایشان را از تموج دریای موج صفات باز به ساحل نجات اندازد و به استغفار مشغول شوند (همان: ۸۲).

- جز امنای حضرت را برین سر و قوفی نیست و اگر احیاناً از تموج دریای تحقیق موجی به ساحل وجود انداختند، جز به رمز و اشارت و کنایت نبود (همان: ۳۶).

- و در بعضی گاه بذر صحو و گاه تخم سکر میکارند (همان: ۱۶۳).

یا موارد ذیل:

طوطی نطق، الماس طبع، کمند عقول، عرایس ابکار، بوستان جبروت، عرایس ارواح، آیینة اخلاص، شهد شهادت، بحر نبوت، آبگینه وجود، خر شهوت، شمشیر عشق، آتش عشق، آینه روح و... .

استعاره: در کاربرد استعاره، استعاره مکنیه بصورت اضافی و تشخیص فراوانی دارد و استعاره مصرحه کمتر است. مانند موارد زیر:

- اینست منتهای اهل السلام که مرغ عقل پیش از این پرواز نمیتواند کرد ولیکن ظلمات عقل از هوای دل دور نگردد و دیده تحقیق به کحل توفیق مکمل نگردد (همان: ۷۱).

- شراب قدیم از قح بیشتر ریزد و جرعه بازنگیرد تا لاجرم عقل سلامت بگریزد (همان: ۸۰).

معمولاً در توصیفاتی که در مورد شخصیتها دارد، استعاره مصرحه آورده است. در جمله ذیل، «بلبلان ریاض تقدس» استعاره از عارفان هستند.

مسامع ارواح مبارزان صفوف نبوت و ولایت را به ندای و ما اوتیتیم من العلم الاً قليلاً آگاه گردانند تا بلبلان ریاض تقدس نغمه سبحانک ما عرفناک حق معرفتک سراییدن گیرند (همان: ۱۳۶).

تمثیل و ضرب المثل: آذری برای درک معنی و اقناع مخاطب از تمثیل استفاده کرده است. در بحث رؤیت خداوند و تفسیر حدیث امام علی (ع)، حکایت ماهیان و دریا را نقل کرده است:

- و قال علی بن ابی طالب کرم الله وجهه: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعَزُّ أَنْ يُرَى وَأَظْهَرُ أَنْ يُخْفَى حکایت ماهیان دریا و اجتماع ایشان در طلب آب شنیده باشی که ماهی بزرگتر گفت شما غیر آب به من نمایید تا آب را به شما نمایم (همان: ۷۳).

در توضیح محبوب بودن طایفه ملامتبان نزد خداوند که بدلیل محبوب بودن هدف تیر ملامت قرار میگیرند، حکایت دزدی بنیامین را آورده است که حضرت یوسف عمداً به او تهمت دزدی زد تا نزدش بماند:

هر روز یک ملامتی را دویست قوت است که اگر یک قوه از آن بر کوه نهند، بر غم فنا موصوف گردد؛ حاصل آنکه این طایفه محبوبانند که از آن هدف تیر ملامت گردانید تا آینه اخلاص ایشان از ظلمت یقین صورت مصون مانند، چنانکه حضرت یوسف علیه السلام که با ابن یمین کرد و تهمت دزدی بر او انداخت تا بسبب آن، او را از دیگران مجرد ساخت؛ دیگران را ذنب و بدی مینمود و یوسف را علیه السلام کمال صلاح و نیکی (همان: ۵۲).

در شرح و توصیفها نیز ضرب المثلهای عربی به کار برده است.

- و چون آدمی مرگ‌بست، کمال او نیز غیر کمال بسایط و اجزای او بود؛ چنانکه گفته‌اند: *إِنَّ فِي الْخَمْرِ مَعْنًا لَيْسَ فِي الْعَنْبِ* (همان: ۳۶).
- حقیقت این مسئله اظهر من الشمس است (همان: ۷۲).
- ولیکن بعضی از آن اعتبارات متفسر به ذکر فکر است؛ چنانچه گفته‌اند والهوی ماتی بکل غریبه؛ یعنی عشق او محبت موروث بسیار از عجایب و بدایع است (همان: ۱۶۳).
- کاسه دُرّدی به کوری او درکشید. سنایی از آن کاسه هوشیار شد و رو به راه آورد؛ حتی بلغ ما بلغ اما افصح کلام آن است (همان: ۲۲۱).
- تلمیح:** استفاده از نام و داستان پیغمبران، شخصیت‌های عرفانی و دینی و اساطیری برای استنباط و تفسیر در کتاب به کار رفته است. اغلب آنها در جایگاه تلمیح استفاده نشده‌اند، بلکه برای تقریر معنی آمده‌اند. اما در توضیحات و تفسیرهایش، تلمیح دیده می‌شود.
- شناختن او به جمیع اوصاف و رسیدن به کنه معرفتش مقدور هیچ آفریده نیست ... هاروت بابل وجود است هر لحظه نقشی دیگر بر آب زند (همان: ۲۳).
- امامت اخصّ است. راهبر را به چندین نام خوانده‌اند به اعتبار مختلفه چون شیخ و پیشوا و... جام جهان‌نمای و آینه گیتی‌نمای و تریاک بزرگ و اکبر اعظم و گوگرد احمر و عیسی صفت که احیای اموات کند و خضرصفت که آب حیوان خورده است و سلیمان که زبان مرغان داند (همان: ۳۲).
- چنانکه می‌گویند اول تجلی که سالکان را دریابند، تجلی صوری باشد و آن در صورت جمیع اشیاء واقع می‌شود با اختلاف مراتب استعداد متجلی فیه؛ چنانکه حضرت موسی علیه‌السلام از درخت و امام جعفر صادق را رضی الله عنه از صورت کلام و شیخ صنعا را از صورت ترسایچه و عاشقان را از صورت معشوقان ظاهری و آن جمله از قبیل تجلی صوری است؛ چنانچه از احوال مجنون و لیلی و خسرو و شیرین و دعد و سلمی و ورقه و گلشاه و ویس و رامین و وامق و عذرا و غیرهم مشهور است (همان: ۸۷).
- کنایه:** در کاربرد کنایه از انواع کنایه‌های ساده و متداول استفاده کرده است.
- *سَرَّ اِنْسَلَخْتُ مِنْ جَلْدِي كَمَا اِنْسَلَخْتُ الْحَيَّةُ مِنْ جَلْدِهَا* این کلمه سلطان‌العارفین است همان اشارت به توحید است اگرچه پوست باز کرده نیست (همان: ۹۴).
- این سخن با کسی می‌رود که عنان اختیار به دست او باشد (همان: ۸۵).
- به حکم موتوا قبل ان تموتوا نفس، چهار تکبیر فناء ماسوی الله بخواندیم (همان: ۱۰۹).

سبک فکری

با توجه به موضوع کلی اثر و تفسیر و تحلیل آذری از موضوعات مختلف، موارد ذیل بعنوان سبک فکری وی در این کتاب قابل بیان است.

شرح و تفسیر: رسالت اصلی آذری در این کتاب شرح و تفسیر است، با استناد به دیدگاه‌های صاحب‌نظران و تحلیلهای خودش، موضوعات چهارگانه را در هر باب تفسیر کرده است. در بخش حروف مقطعه بیشتر از بیست دیدگاه درمورد این حروف آورده و تفسیر کرده است، با همین بخش میتوان او را در کنار یکی از مفسران قرآن کریم قرار داد. در باب دوم احادیث نبوی را تفسیر کرده است؛ در باب سوم سخن مشایخ (شرح شحطیات عرفا) و در باب چهارم اشعار شاعران را توضیح داده است. در تفسیر سه باب اول، گرایش عرفانی دارد و اندیشه‌هایش متأثر

از آرای شاه نعمت‌الله ولی، ابن عربی و عرفای اسلامی است. مثلاً گاه داستانی را بصورت معما مطرح کرده و آن را تفسیر نموده است. برای نمونه معمای چهار برادر را آورده است که سه نفر برهنه بودند و یکی جامه نداشت، هر چهار به بازار رفتند تا برای شکار تیر و کمان بخرند که آنها را به چهار روح تفسیر کرده است و مسئله روح، عقل و نفس را تفسیر کرده است و با آن نزول و عروج روح انسانی را با امر اهبطوا آورده است (آذری طوسی، بی‌تا: ۱۰۷).

یا بسیاری از شطحیات عرفا را توضیح داده است، برای نمونه گفته است:

«سر کشتی گرفتن خواجه عبدالرحمن گهواره گر علیه الرحمه آنجا گفته است با خدا اجلّ جلاله سه دست کشتی گرفتم دو دست من او را بینداختم بگذاشتم و او مرا یک دست بینداخت و پایم بشکست تعالی الله عن ذلک علواً کبیراً».

با استناد به اشعار عرفانی و استنباط شخصی در بازگشایی این شطح، کشتی گرفتن با خدا را همان جنگ با نفس معرفی کرده است و با تلمیح به داستان حضرت سلیمان، گفته است عارف در این حالت مجذوب مطلق بود. «تواند گرفت آن هوای نفس است لقلوله تعالی أفرأیت من اتخذ الهه هواه، قوله صلی الله علیه و سلم کل مقصود و معبود و کل معبود آله همه مشتیهیات نفسانی الاهد و النفس هی الصنم الاکبر و صوفیان هوا را اله متحد میگویند. پس معنی این سخن آنست پس من بر هوای نفس خود دو بار غالب شدم و چون قمع مشتیهیات او ممکن نیست، او یک بار بر من غالب آمد و روش طریقت مرا نقصان کرد» (همان: ۹۹).

نقد شعر: این کتاب یکی از آثار نقد اشعار شاعران است و اغلب اشعار دشوار را شرح داده است، با این بخش باید آذری را در گروه منتقدان ادبی دوره کلاسیک قرار داد که در حوزه نقد ادبی فعالیت کرده است. برای نمونه بیتی از نظامی را تفسیر کرده است.

اگر بر فرش موری بگذرد فیل فتد افتاده را جامه در نیل

این بیت از خسرو و شیرین نظامی است که در دیدار خسرو و شیرین، شیرین آن را برای خسرو گفته است

به خسرو گفت شیرین کای خداوند	نه من چون من هزارت بنده در بند
ز تاجت آسمان را بهره‌مندی	زمین را زیر تخت سربلندی
اگرچه در بسیط هفت کشور	جهان خاص جهاندار است یکسر
بدین نزدیکی از بخشیده شاه	وثاقی هست ما را بر گذرگاه
اگر تشریف شه ما را نوازد	کمر بندد رهی گردن فرازد
اگر بر فرش موری بگذرد پیل	فتد افتاده‌ای را جامه در نیل
ملک گفتا چو مهمان میپذیری	به جان آیم اگر جان میپذیری

(خسرو و شیرین نظامی: ۱۱۷-۱۱۸)

دهخدا ذیل جامه در نیل افتادن: مصیبت‌زده و سوگوار شدن، این بیت را آورده است (دهخدا، ذیل واژه نیل). اما اگر در ابیات دقت کنیم، محتوای گفتگو، مصیبت و عزا را نشان نمیدهد، بلکه برعکس خوشبختی و سعادت را نشان میدهد. معنی ظاهری بیت چنین است: اگر بر فرش یک مورچه، پیلی گذر کند، گویا که جامه در نیل افتاده است. مفهوم بیت این است که اگر فرد والامقامی بر فرد کوچک و حقیری مهمان شود، آن فرد حقیر، سعادت‌مند میشود و شیرین با آمدن خسرو، خود را سعادت‌مند میبیند.

آذری در شرح بیت گفته است: «این بیت اشاره به قصه داراب است و مادر او همایون، که چون متولد شد از بیم آنکه ناگاه باد شاهی از دست او بیرون رود او را در صندوقی کرد و در آب انداخت و آن گازی که باز یافت بسبب جامه که در نیل افتاده بود و بدان سبب به دولتی عظیم رسید و قصه دراز است و این صنعت را تلمیح خوانند و آنچه بعضی گفته‌اند که مراد از فیل ابرست و مقصود از افتاده جبه است که چون ابر بر او بگذرد جامه جبه در نیل افتد یعنی سیر گردد وجه معنوی است» (آذری، بی‌تا: ۲۲۲).

در تصحیح وحید دستگردی، در شرح بیت، به سخن آذری طوسی استناد شده است و معنای مناسب را با تکیه بر اندیشه آذری آورده است: جامه در نیل افتادن کنایه از دو معنی ضد یکدیگر است: یکی لباس سیاه ماتم پوشیدن و دیگری جامه سرسبزی، سعادت و خوشبختی در بر کردن، زیرا از نیل، رنگ سبز و سیاه تولید میشود، کاربرد معنای اول فراوان و معنای ثانی کم است (خسرو و شیرین، شرح دستگردی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

البته غیر از باب چهارم، در بابهای قبل نیز اشعار را تفسیر کرده است، از جمله شعری در مورد تاریخ وفات رکن‌الدین علاءالدوله است که در بیت آخر گفته است:

گربه جان عطسه شیر الست شیر بلرزد چو کند گربه مو

در مورد بیت توضیح داده است و آن را به استناد آیه «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹) تفسیر کرده است.

«مراد از عطسه شیر نفخه نفخت فیه من روحی است که گربه جان نتیجه آن است و به لفظ شیر قدرت خواسته است و گربه مناسب آورده میگویند گربه عطسه شیر است» (آذری طوسی، بی‌تا: ۱۴۷)

در ادامه به داستان نوح پرداخته است که حیوانات را در کشتی سوار کرد. چون موشها در کشتی اذیت کردند، جبرئیل دست به پیشانی شیر مالید و گربه را به وجود آورد. در ادامه تفسیر دیگری آورده و گفته است: «اما این بیت را به روایتی دیگر خوانده‌اند» در این روایت شیر را «شیر فلک» گرفته و گفته است:

«گربه جان عطسه شیر فلکی است یعنی از فیض تأثیر اوست. شیر بلرزد چو کند گربه مو در حکایت است که هر گه مؤمنی را عقوبتی رسد، افلاک را از آن رنج رسد که افلاک از فیض بنی آدم چنانکه گفت شد مفیضند اگر بنی آدم نباشد یک ساعت افلاک نیز نباشد...» (همانجا).

دین، عرفان و تصوف: مباحث دینی و عرفانی در سه باب اول، دوم و سوم کاملاً آشکار است. آذری با گرایش عرفانی، مطالب را نوشته و درصدد تبیین آموزه‌های عرفانی است. مباحث مختلف از جمله رابطه عبد و معبودی، مسئله امامت، نبوت، ولایت، حقیقت محمدی، معراج، اسماء الهی، نفس، روح، کفر، شطح، فقر، تناسخ، صحو و سکر، فنا، مکاشفه، انسان کامل، عقل اول، نفس کل، توحید، مراتب توحید، اعیان ثابته، عشق الهی، آفرینش جهان، هیوط انسان، فرقه‌های تصوف همچون ملامتیه، طیفوریه، و جنیدیه، زندگی عرفای بزرگ اسلام و... در سه فصل کتاب آمده است.

برای نمونه در تفسیر حدیث «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» به مسئله امامت در دین اسلام توجه کرده و آن را توضیح داده است و به ویژگیهای امام، شرایط لازم امامت، و انواع امامت پرداخته و سرانجام به مسئله امامت امام زمان رسیده و اخبار آن را نقل نموده است، مانند سن حضرت، اعتقاد به ظهور حضرت، علامت و نشانه‌های ظهور، زمان خروج امام، و امامت امام بعد از ظهور.

در مورد خروج حضرت و اینکه در چه سالی و چگونه ظهور خواهد کرد، گفته است:

«جز امنای حضرت را برین سرّ و قوفی نیست و اگر احیاناً از تموّج دریای تحقیق موجی به ساحل وجود انداختند، جز به رمز و اشارت و کنایت نبود. محصل این سخن آنکه امید ما درین معنی بیشتر از تعین (یقین: نسخه مجلس) است. این فقیر اکثری تواریخ را که درین باب گفته‌اند با یکدیگر تطبیق کردم» (همان: ۳۶).

یا در موضوعات عرفانی بحث کرده است مثلاً در اثنای مطالبی درمورد فرقه ملامتیه گفته است: «این طایفه محبوبانند که از آن هدف تیر ملامت گردانید تا آینه اخلاص ایشان از ظلمت یقین صورت مصون مانند. چنانکه حضرت یوسف علیه‌السلام که با ابن یمین کرد و تهمت دزدی بر او انداخت تا بسبب آن، او را از دیگران مجرّد ساخت. دیگران را ذنب و بدی مینمود و یوسف را علیه‌السلام کمال صلاح و نیکی» (همان: ۵۲).

یا درمورد مسئله شطح «انالحق» که از زبان حلاج و فرعون گفته شده بحث نموده و گفته است:

«اگر کسی سؤال کند کلمه شطح همچنانکه از اهل حق واقع گشته شده است از اهل باطل نیز واقع است؛ چون کلمه منصور گفت و از فرعون نیز واقع شد پس ما به چه دانیم که انا منصور حقانی بود و انا فرعون شیطانی آنجا که گفت انا ربکم الا علی و ابلیس گفت خیر منه و از انبیا نیز علیهم‌السلام انا واقع است. ببايد دانست انا منصور چنانکه شیخ رکن‌الدین علاء‌الدوله در رساله ذوی الاعتبار ذکر کرده که انا اضطر است و انا فرعون انا اختیار و از اینجاست که گفته‌اند از خاکستر منصور همین معنی را دریافتند کشفاً او سمعاً. چون فرعون را آب بر کنار انداخت از این معنی تهی بود و اگر این معنی را مسلم نداشتند گویم منصور بر طریقه شرع بود و انا او انا استنباع بود و فرعون بر هیچ طریقی نبود و مذهبی و انا او استکبار بود چون انا ابلیس، پس منصور در مقام کرامت بود و کرامت اولیا حق است و فرعون در مقام مکر بود و استدراج و لعنت. پس اگر از خاکستر منصور به اعتبار کرامت آواز برآید، عجب نباشد» (همان: ۸۵).

در تفسیر این جمله «لأفلاک تدور علی أنفاس بنی آدم» از عطیة حارثی الملکی، آن را انسان کامل معرفی کرده و گفته مدّبر افلاک نفس انسان کامل است، بعد از مقدمه‌چینی درباره توضیح افلاک، وجود آدم در جهان، با تبیین عرفانی گفته است: «پس معنی کلمه افلاک تدور علی أنفاس بنی آدم، اشارت به نفس مبارک او تواند بود اگر نعوذ بالله یک دم برکت این دولت نباشد، قیامت برخیزد» (همان: ۱۰۴).

زندگینامه مشایخ: این کتاب دربردارنده زندگینامه بیش از چهل شخصیت ادبی، عرفانی و دینی است که آذری طوسی در اثنای مطالب بیان کرده است. اگر تمامی آنها جمع‌آوری شود، میتوان گفت اطلاعات مفیدی از زندگی شخصیت‌های دینی، عرفا، شعراء و مشایخ ارائه داده است از جمله زندگینامه بایزید و مولوی، حلاج، ابن‌سینا را آورده است. البته هدف اصلی وی بیان زندگینامه افراد نیست و به اقتضای موضوعات ابواب به آن پرداخته است. در اغلب موارد آن را رها کرده و به مباحث موردنظرش پرداخته است. زندگینامه کامل افراد در کتاب موجود نیست، گاه مفصل است مثل زندگی مولوی که از خروج از بلخ تا دیدار شمس را آورده است و گاه در حدّ معرفی در یک خط آورده است که سال تولد و وفات است. برای نمونه در زندگینامه مولوی از آمدن شمس تبریزی و مأموریت وی از سوی شیخش برای تحول مولوی گفته است:

«اما شمس‌الدین تبریزی مذکور را شیخ رکن‌الدین به تربیت مولانا جلال‌الدین فرستاد و به گفت که برو و در روم سوخته هست آتشی درو زن که عالمی روشن خواهد کردن. شمس‌الدین چون به قونیه روم رسید، مولانا جلال‌الدین بر استری سوار میگذاشت. گفت بایست، عنان بازکشید. گفت شمس‌الدین، محمد بزرگتر است یا بایزید؟ مولانا گفت نه که محمد، شمس‌الدین گفت بس بایزید چرا گفت لوای اعظم من لوای محمد او علی الفور؟ جوابی شفافی

نتوانست گفت، مرکب براند و همه شب در این اضطراب بود تا صبح در اثنای درس درآمد و باقی قصه مشهور است» (همان: ۱۴۴).

موضوعات علمی: در مورد شعر، طب، نجوم، ریاضی، حساب جمل، و حل معما از این کتاب میتوان بعنوان منبع استفاده کرد. در باب چهارم که بیان اشکال شعر شاعران است، در شرح و تحلیل اشعار، اطلاعات علمی وی مشخص میشود. همچنین انواع بیماریها را معرفی کرده و نظرات اطبا را آورده است.

در شرح بیتی که واژه «سل» دارد، این بیماری را توصیف کرده، ویژگیهای آن را گفته، نظر اطبا و راههای درمان آن را توضیح داده است: «سل به اصطلاح اطبا ریش گشتن شش را گویند و میشاید که رطوبتی لزج از سر شش فرود آید و سرفه و ضیق النفس تولد کند؛ اگرچه این علت فی الحقیقه ریو است و لیکن به مشابهه حال خداوند این علت را مسلوک گویند» (همان: ۲۰۹).

نتیجه‌گیری

از جواهرالاسرار آذری طوسی اسفراینی، چندین نسخه خطی باقی مانده است. در این مقاله براساس نسخه تصحیح شده، سبک‌شناسی اثر مورد بررسی قرار گرفته و نتایج بررسی نشان داد کلیت سبک‌شناسی کتاب مطابق با نثرنویسی عصر تیموری است. آذری از زبان ساده برای نگارش استفاده کرده و مطابق با سبک عمومی دوره، دیباچه کتاب را به نثر مسجع آمیخته به انواع آرایه‌های ادبی نوشته است و مقدمه بابها نیز به نثر مسجع متمایل است. در سطح آوایی زبان، آرایه‌های سجع، جناس، تکرار، و واج‌آرایی شاخصه سبکی دارد؛ در سطح لغوی به کاربرد عبارتها و واژه‌های عربی در آیات، احادیث، و سخن مشایخ گرایش دارد. این اثر در سطح نحوی مطابق نحو دوره تیموری است و نسبت به زمان نگارش، زبان کهن ندارد. ترادف واژه‌ها، مطابقت موصوف و صفت، آوردن جمله‌های عربی بجای صفت و مضاف‌الیه در جمله، و آوردن القاب و اوصاف در این سطح پرتکرار است. در سطح ادبی، با توجه به کاربرد فراوان اشعار فارسی و عربی در متن، آرایه تضمین و اقتباس بیشترین فراوانی را دارد و آرایه‌های تشبیه، استعاره، کنایه، تمثیل، ضرب‌المثل، و تلمیح هم استفاده کرده است. در سطح فکری ایده و هدف اصلی آذری برای نگارش جواهرالاسرار شرح و تفسیر، نقد و توضیح حروف مقطعه قرآن کریم، احادیث نبوی، سخن مشایخ صوفیه و اشعار شاعران فارسی‌زبان است. در اثنای شرح و نقد این موارد نیز معلومات وی در زمینه‌های تفسیر، حدیث، عرفان، شطحیات و شعر روشن شده است. همچنین اثرش نشان میدهد وی در زمینه‌های علوم متداول عصر خویش مانند نجوم، طب، جغرافی و ریاضی، تبحر دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر استخراج شده است. آقای دکتر علی رمضانی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای اسماعیل زارعمند بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر رسول عبادی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Azari Esfarayeni, Hamzeh Ibn Ali. (2011). *Divan Azari Esfarayeni, research and correction by Mohsen Kiani & Seyed Abbas Rastakhiz*. Tehran: Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Azari Tusi, Hamza Ibn Ali. (undated). *Jawahar al-Asrar*, manuscript of the Center for the Revival of Islamic Heritage, No. 812.
- Azari Tusi, Hamzah Ibn Ali. (undated). *Jawahar al-Asrar, Pakistani Treasure Manuscript*, No. 890 and 290/472.
- Azari Tusi, Hamzah Ibn Ali. (undated). *Jewels of Secrets, Parliamentary Manuscript 2*, No. 5882.
- Azari Tusi, Hamzah Ibn Ali. (undated). *Manuscript of Jawahar al-Asrar*, Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly, No. 14477.
- Bahar, Mohammad Taghi. (1970). *Stylistics, Volume 3*, Tehran: Amirkabir.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1994). *Dehkhoda Dictionary*, Tehran: University of Tehran.
- Fotouhi, Mahmoud. (2011). *Stylistics of theories, approaches and methods*, Tehran: Sokhan.
- Hendushah Astarabadi, Mohammad Ghasem. (2009). *Tarikh Fereshteh, vol. 2, correction, suspension and explanation by Mohammad Reza Nasiri*, Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Nafisi, Saeed. (1984). *History of poetry and prose in Iran and in Persian language until the end of the tenth century AH*, Tehran: Foroughi Bookstore.
- Nezami, Elias Ibn Yousef. (2009). *Khosrow and Shirin*, edited by Hassan Vahid Dastgerdi, by Saeed Hamidian, Tehran: Qatreh.
- Safa, Zabihollah. (1959). *A brief history of the evolution of Persian poetry and prose*, Tehran: University of Tehran Press.
- Safa, Zabihullah. (1985). *History of Iranian Literature, Volume 4*: Tehran: Ferdows.
- Samarqandi, Amir Dolatshah. (2003). *Tazkereh Shoara*, edited by Edward Brown, Tehran: Asatir.
- Shamisa, Sirus. (1998). *Stylistics of prose*, Tehran: Mitra.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

آذری اسفراینی، حمزه‌بن علی (۱۳۹۰) دیوان آذری اسفراینی، تحقیق و تصحیح محسن کیانی و سیدعباس رستاخیز، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- آذری طوسی، حمزه‌بن علی (بی‌تا). نسخه خطی جواهرالاسرار، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۴۷۷.
- آذری طوسی، حمزه‌بن علی (بی‌تا) جواهرالاسرار، نسخه خطی گنج بخش پاکستان، شماره ۸۹۰ و ۴۷۲/۲۹۰.
- آذری طوسی، حمزه‌بن علی (بی‌تا) جواهرالاسرار، نسخه خطی مجلس ۲، شماره ۵۸۸۲.
- آذری طوسی، حمزه‌بن علی (بی‌تا) جواهرالاسرار، نسخه خطی مرکز احیا میراث اسلامی، شماره ۸۱۲.
- بهار، محمدتقی (۱۳۴۹) سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳) لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران.
- سمرقندی، امیر دولتشاه (۱۳۸۲) تذکره الشعراء به تصحیح ادوارد بروان، تهران: اساطیر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۷) سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۳۸) مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی، تهران: چاپ دانشگاه تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۴) تاریخ ادبیات ایران، ج ۴: تهران: فردوس.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰) سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن.
- نظامی، الیاس‌بن یوسف (۱۳۸۸) خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه‌ای، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- نقیسی، سعید، (۱۳۶۳) تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران: کتابفروشی فروغی.
- هندوشاه استرآبادی، محمدقاسم، (۱۳۸۸) تاریخ فرشته، ج ۲، تصحیح و تعلیق و توضیح از محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

معرفی نویسندگان

- اسماعیل زارعمند:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
(Email: zaremand.e@gmail.com)
- علی رضانی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
(نویسنده مسئول: (Email: a-ramazani@iau-ahar.ac.ir)
- رسول عبادی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
(Email: r.ebadi@iau-ahar.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

- Esmaeil Zaremand:** PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Email: zaremand.e@gmail.com)
- Ali Ramezani:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Email: a-ramazani@iau-ahar.ac.ir : Responsible author)
- Rasoul Ebadi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Email: r.ebadi@iau-ahar.ac.ir)